

جایگاه بین‌المللی ایران در سایه روابط اقتصادی و تجاری با چین

قاسم ترابی^۱، علیرضا رضایی^۲، حسین فردمطلق^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

چکیده:

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تاثیر گسترش روابط اقتصادی و تجاری با چین بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بود. تحقیق حاضر از نوع واقع‌گرایی و روش تحقیق کیفی از نوع اسنادی می‌باشد. در این پژوهش از روش‌های جمع‌آوری کتابخانه‌ای و اسنادی، بررسی مدارک و اسناد، مصاحبه با کارشناسان و آگاهان موضوع برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. یافته‌های تحقیق با روش تحلیلی – توصیفی، تجزیه و تحلیل شد. با توجه به یافته‌های تحقیق این نتیجه حاصل شد که جمهوری اسلامی ایران و چین دارای یک سری همپوشانی منافع هستند. رشد مناسبات اقتصادی دوجانبه حاکی از آن است که همچنان این دو کشور یکدیگر را شریکی مهم می‌دانند و خواستار افزایش پیش از پیش مناسبات در همه زمینه‌ها هستند. برخی همپوشانی‌ها در سیاست خارجی دو کشور، مبادلات اقتصادی و نظامی و همکاری در حوزه انرژی، عوامل توسعه بخش روابط دو کشورند. از دیگر سو انتخاب استراتژیک چین و روابط همکاری جویانه این کشور با قدرت‌های غربی، عوامل محدودکننده این روابط به شمار می‌آیند. عوامل محدودکننده در سال‌های اخیر نقش مهم‌تری در شکل‌دهی به روابط سیاسی دو کشور ایفا کرده‌اند، به گونه‌ای که روابط سیاسی طرفین نسبت به گذشته محدود شده و روابط تجاری به عنوان مهم‌ترین حوزه همکاری‌های دو کشور مطرح شده است، عواملی چون تنش‌های ساختاری، لابی رقبای منطقه‌ای، انتظارات متفاوت و نقش آمریکا مانع از تحقق همکاری‌های فراگیر میان دو طرف شده است. در مجموع، فقدان درک و شناخت صحیح و کافی تهران از واقعیت‌ها و وضعیت چین امروز در ابعاد مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مانع از تدوین سیاستی اصولی و منطبق با ظرفیت‌ها و توانایی‌های پکن گردیده است.

واژگان اصلی: روابط بین‌الملل، اقتصاد و تجارت، چین، ایران.

۱. گروه روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. گروه روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۳. گروه روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

سیاست خارجی از یک مفهوم دولت‌محور در نظریه واقع‌گرایی و مفهومی چندبعدی در نظریه‌های لیبرالیستی، به مفهومی ذهنی، گفتمانی و چندبعدی در نظریه سازه‌انگاری تبدیل شده است (معدنچی رسولی، ۱۳۹۶: ۲۲). تداوم تاثیر گذاری چین در عرصه اقتصاد جهانی تحت تاثیر متغیرهای داخلی و بین‌المللی می‌باشد که خارج از اراده رهبران چین قرار دارد به عنوان نمونه ادامه رشد اقتصادی چین تحت تاثیر مسئله قیمت و تداوم عرضه انرژی و به خصوص نفت قرار دارد. همچنین مسئله آلودگی‌های زیست محیطی و تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست میتواند بر سطح و عمق رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه تاثیرگذاری چین در عرصه بین‌المللی تاثیر گذار باشد. (ترابی، ۱۳۹۱: ۱۸۰) چین ضمن بررسی تجارب موفق در برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی کشورهای توسعه یافته، افزایش قدرت سازگاری چین با تغییرات ساختاری اقتصاد جهانی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داد. (رضائی، ۱۳۸۷: ۲۹۰) با پایان جنگ و ضرورت بازسازی و تقویت بنیه اقتصادی ایران بسترهای لازم به‌منظور تسری قلمرو موضوعی مناسبات به حوزه‌های اقتصادی، تجاری و هسته‌ای فراهم گردید. بر این اساس، چین ضمن مشارکت گسترده در بازسازی اقتصادی ایران، به مهم‌ترین تأمین‌کننده تسلیحاتی ایران تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ نیمی از تسلیحات خارجی ایران از چین وارد می‌شد (بلوچی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). در حال حاضر چین به دنبال ارتقاء جایگاه خود در زنجیره ارزش جهانی به کمک اجرای طرح «یک کمربند- یک جاده» می‌باشد. از آنجایی که ایران در این طرح از یک موقعیت استراتژیک و باارزش برخوردار است با توجه به این مسئله که چین به‌عنوان مجری این طرح، بزرگ‌ترین شریک تجاری جمهوری اسلامی است، تغییر رویکرد تجاری ایران می‌تواند زمینه‌های صنعتی شدن، ورود به زنجیره ارزش جهانی و فراهم آمدن مقدمات توسعه را فراهم کند (فالون، ۲۰۱۵: ۳). باوجود تلاش‌های صورت گرفته از جانب ایران و اجرای سیاست نگاه به شرق بازهم گشایشی در روابط ایران و چین به وجود نیامده است. به همین ترتیب، باوجود اینکه این راهبرد انتظار همکاری فراگیر را میان دو طرف به‌ویژه ایران ایجاد کرده بود؛ اما کنش‌های چین در همراهی با تحریم‌ها علیه ایران و عملکرد غیرهمسو در برنامه هسته‌ای ایران این انتظارات را تحقق نبخشید. در ریشه‌یابی دلایل این مسئله می‌توان به چالش‌های نظری برآمده از

سیاست نگاه به شرق همچون واکنشی بودن این سیاست، نداشتن درک صحیح از نظام بین‌المللی، برداشت متفاوت از سند چشم‌انداز، اتکا به راهبرد نیروی سوم و اجماع نظر نداشتن پیرامون ماهیت و اجزای این سیاست و تأثیر مؤلفه‌های ساختاری مانند نقش رقبای منطقه‌ای، فشارهای آمریکا و وجود نداشتن انتظارات مشترک میان ایران و چین از روابط دوجانبه اشاره کرد (کدخدایی، ۱۳۹۸: ۲۲).

باین‌حال، موانعی چون تغییر سیاست‌ها و اولویت‌های داخلی چین در نتیجه روی کار آمدن نسل‌های سوم و چهارم رهبران جدید با تأکید بر نگاه به درون و به تبع آن، تغییر در جهت‌گیری بین‌المللی این کشور، اصلاحات اقتصادی بازار محور چین و تمایل این کشور به ادغام در نظام اقتصادی جهانی، نیاز به سرمایه‌گذاری و بازار کشورهای بزرگ از جمله آمریکا، سیاست ایجاد توازن چین میان ایران و سایر کشورهای خلیج فارس به واسطه نیاز به بازارهای مصرفی و واردات انرژی و هم‌چنین ظهور نشانه‌های بهبود روابط ایران با غرب، چشم‌انداز شکل‌گیری همکاری استراتژیک میان دو کشور را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است (انتر، ۲۰۱۰: ۳۸). در حالت واقع‌بینانه روابط ایران و چین در چارچوب شرایط داخلی دو کشور و محیط استراتژیک بین‌المللی که به نوبه خود تحت تأثیر تغییرات اخیر در استراتژی ژئوپلیتیکی آمریکا قرار دارد، تعیین می‌گردد (ان و وو، ۲۰۱۶: ۵۲). به‌رغم افزایش همکاری اقتصادی و دیپلماتیک چین با ایران به دنبال اجرای برجام، همراهی ژئوپلیتیکی نزدیک‌بین دو طرف بعید به نظر می‌رسد. بر این مبنا، روابط چین و ایران با عنایت به موانع دائمی همچون تمایل چین به روابط مثبت با سایر دولت‌ها، تعقیب راهبرد متنوع سازی انرژی و نیاز به ثبات منطقه‌ای محدود خواهد ماند (ودناو، ۲۰۱۳: ۲۹۰).

در مجموع، فقدان درک و شناخت صحیح و کافی تهران از واقعیت‌ها و وضعیت چین امروز در ابعاد مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مانع از تدوین سیاستی اصولی و منطبق با ظرفیت‌ها و توانایی‌های پکن گردیده است. البته در روی دیگر سکه، بیجینگ نیز درک صحیح و جامعی از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و واقعیت‌های ایران امروز ندارد که بالطبع چنین وضعیتی بر روند همکاری‌های دو کشور تأثیرگذار بوده است. طرف چینی در تنظیم مناسبات و سیاست‌های خود با تهران، نگاه محتاطانه‌ای دارد و در عمل، برخورد بیجینگ با تهران بر اساس وضعیت ایران در صحنه بین‌المللی و

1 Unter, S

2 Un, L and Wu ,L

3 Wutnow, oel

نحوه تعامل سایر قدرت‌ها با ایران تعریف شده است. چین در روابط منطقه‌ای نیز با دست زدن به ابتکاراتی نظیر جاده ابریشم و برقراری نهادهای اقتصادی پیرامون آن، یک کمربند، یک جاده و راهبرد رشته‌های مروارید درصدد است تا با بهره‌گیری از تمامی فرصت‌ها توان نفوذ خود را فراتر از همسایگان و منطقه پیرامونی گسترش دهد و از محاصره شدن از سوی آمریکا بگریزد. جاده ابریشم دریایی با ایجاد پایگاه‌های دریایی و بندرگاه‌ها در کشورهای گوناگون به تأمین بهتر امنیت انرژی چین کمک شایانی خواهد کرد و نیز جاده ابریشم زمینی و احداث خطوط ریلی از غرب چین به آسیای مرکزی و از آنجا به ایران و در نهایت به اروپا، کالاهای چینی را ارزان‌تر، باصرفه‌تر و امن‌تر به بازارهای هدف برساند این ابتکارات زمینه‌ساز همکاری‌های سازنده و برد - برد با کشورهای مشمول این طرح‌هاست. از طرف دیگر نهادهای اقتصادی چین بر بستر این ابتکارات نشانگر هم‌آوردی اقتصادی چین با ابتکارات پس از جنگ جهانی دوم از سوی آمریکا به شمار می‌رود. لذا می‌توان گفت که چین و ایران، به‌عنوان دو کشور قدرتمند آسیایی در حوزه روابط بین‌الملل می‌باشند که هرکدام اهداف کلانی را در سطوح گوناگون دنبال می‌کنند و بر پایه منابع مادی و غیرمادی، ازجمله عناصر فرهنگی، هویتی و چه‌بسا ایدئولوژیکی خود سعی در محقق ساختن این اهداف دارند. با عنایت به آنچه گفته شد؛ این پژوهش قصد دارد که به این سؤال پاسخ دهد، گسترش روابط اقتصادی و تجاری با چین چه تأثیراتی بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد؟ و به نظر می‌رسد گسترش روابط اقتصادی و تجاری، با چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور، باعث افزایش قدرت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی می‌شود. تحقیق حاضر از نوع واقع‌گرایی است و روش تحقیق کیفی از نوع اسنادی می‌باشد. در این پژوهش از روش‌های جمع‌آوری کتابخانه‌ای و اسنادی، بررسی مدارک و اسناد، مصاحبه با کارشناسان و آگاهان موضوع برای گردآوری اطلاعات استفاده شد و با روش تحلیلی - توصیفی، تجزیه و تحلیل شد

پیشینه تحقیق:

عظیمی (۱۴۰۰) در کتاب ابتکار کمربند و راه؛ فرصت‌های اقتصادی مشترکی ایران و چین؛ ضمن مرور سیر توسعه اقتصادی چین، بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و ویژگی‌های الگوی حکمرانی اقتصادی جمهوری خلق چین به معرفی ابتکار کمربند و راه و بررسی اهداف و اقدامات چین از اجرای این طرح پرداخته است. در پایان به جایگاه ایران در ابتکار کمربند و راه، روابط تجاری و

سرمایه‌گذاری ایران و چین و ظرفیت‌های همکاری دو کشور در این چارچوب پرداخته شده است. صفی‌نژاد (۱۳۹۸) در پژوهش خود تحت عنوان: ناسیونالیسم اقتصادی جمهوری خلق چین و تأثیر آن بر روابط راهبردی این کشور با ایران؛ بیان می‌کند که چین استراتژی عمل‌گرایانه خود را حتی با دشمنان خود مسالمت‌جویانه و مثلی تعریف می‌کند. مرادی حقیقی (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان: تجارت و توسعه در روابط اقتصادی ایران و چین؛ بیان می‌کند که رابطه تجاری میان ایران و چین قدمتی طولانی دارد. پس از انقلاب اسلامی، دو کشور سطوح متفاوتی از تجارت با یکدیگر را تجربه کرده‌اند که در ابعاد کمی و کیفی متفاوتی قرار دارد. بگواندین (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «راهبرد موازنه بخش چین در خلیج فارس» به نگرانی چین در ثبات انرژی منطقه با توجه به نیاز روزافزون این کشور جهت دریافت انرژی و رشد اقتصادی از این منطقه پرداخته و بهبود روابط با کشورهای منطقه و از جمله ایران را در این راستا ارزیابی نموده و ریسک‌پذیری غیرقابل‌اجتناب پکن در تسامح این کشور در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تنش‌های ناشی از آن در روابط آمریکا با چین را نیز نگرانی آینده چین از قادر نبودن تأمین انرژی برای پروژه‌های آینده چین تحلیل نموده است. جوز (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «جنبه‌های مختلف روابط ایرانی-چینی»، تشریح نموده و تنها گزینه پیش روی ایران منزوی شده از سوی غرب را فروش نفت خام به چین برای بقای اقتصادی تحلیل نموده و با اشاره به سرمایه‌گذاری انرژی چین در پاکستان و هند، آینده این طرح چینی را تحت عنوان جاده جدید انرژی ابریشم نامیده است.

مبانی و مباحث نظری: (نظریه وابستگی متقابل)

از منظر بسیاری از صاحب‌نظران وابستگی متقابل، سیاست‌های قدرت دوران جنگ سرد به همکاری بیشتر میان بازیگران تبدیل شده است (قوام، ۱۳۹۲: ۶۴). وابستگی متقابل به وضعیت‌های توصیف‌شده از طریق اثرات متقابل بین کشورها یا بازیگران در کشورهای گوناگون برمی‌گردد تأثیرگذاری مبادلات روی وابستگی متقابل به فشارها یا هزینه‌های ملایم با مبادلات بستگی دارد. (کوهن، نای، ۱۳۹۵: ۱۰۴). وابستگی متقابل، مصالح ملی خودخواهانه و وفاداری‌های ملی را حل کرده است. حداقل کشورها مختار خواهند بود که مشکلات خود را به‌طور مسالمت‌آمیز حل کنند. همبستگی ممکن

1 Bagwandeem, Mandira.

2 Daniel, oos

است نتواند دولت جهانی را ایجاد کند، اما می‌تواند دولت ملی و سیاست مبتنی بر قدرت را در جهان بدون مرز بی‌مورد سازد (سیف زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۶). وابستگی متقابل دو عامل را تقویت کرده است: (۱) ناسازگاری اهداف سیاست خارجی ملت‌ها؛ (۲) تواتر بحران‌های بین‌المللی بین کشورهای صنعتی؛ و سه عامل را هم تعدیل نموده است: (۱) دامنه‌گزینش دولت‌ها در هر دو حوزه سیاست‌گذاری داخلی و خارجی؛ (۲) کنترل دولت‌ها روی فعالیت‌های فراملی؛ (۳) تعداد ابزارهای موجود برای فائق آمدن بر مسائل اقتصادی داخلی (مثل سیاست‌های مالیاتی و مالی) (روزکرانس، ۱۳۹۰: ۱۳۰). دورنمای وابستگی متقابل بیش‌ازحد، ممکن است کشور را به کاهش وابستگی ترغیب کند، به نظر می‌رسد کمتر کشوری (و شاید هیچ کشوری) حاضر شود که آزادی انتخاب و عملش به شدت لطمه ببیند (سیف زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۶). وابستگی متقابل و جهانی‌شدن، ایران را به سمت چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی سوق می‌دهد. این سیاست و جهت‌گیری به سه صورت پیگیری و عملی می‌گردد. نخست، از طریق تلاش برای تقویت و توسعه همگرایی سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای؛ دوم، تلاش برای ایجاد و تأسیس نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای جدید؛ سوم، حمایت و پشتیبانی از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی موجود.

گسترش روابط اقتصادی و تجاری ایران با چین

۱- منطق اقدام دولت‌ها و منطق اقدام شرکت‌ها

با دگرگونی مثلث استراتژیک (آمریکا، چین و ایران)، کنش چین در برابر فشارهای فزاینده دولت ترامپ بر ایران به تدریج تغییر کرد. این کشور به صراحت از خروج آمریکا از برجام انتقاد کرد و بر تداوم روابط تجاری عادی با ایران تأکید نمود. رئیس‌جمهور چین در دیدار با مقامات ارشد ایران بر لزوم گسترش تعاملات راهبردی ایران و چین بدون توجه به تغییرات در شرایط بین‌المللی تأکید کرد (شریعتی نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۰). این کشور در هماهنگی با روسیه مانع از بهره‌گیری ایالات متحده از ابزار شورای امنیت علیه ایران شد. افزون بر این، دولت چین فرصت‌های مهمی برای تداوم روابط اقتصادی میان دو کشور، به‌ویژه در حوزه صادرات نفت فراهم آورد. در این دوره چین همچنان به‌عنوان مهم‌ترین خریدار نفت ایران باقی ماند، بخش مهمی از نفت فاقد مشتری ایران در مخازن این کشور ذخیره شد و چین به مهم‌ترین بازیگر در دور زدن تحریم‌های نفتی ایالات متحده علیه ایران،

به‌ویژه پس از پایان معافیت‌های نفتی بدل شد (میرشیمیر، ۲۰۱۸: ۳). البته در این دوره مبادلات تجاری ایران با چین رو به کاهش گذاشت، شرکت‌های بزرگ چینی همکاری با ایران را کاهش داده یا قطع نمودند و مبادلات مالی میان دو کشور با دشواری‌های بیشتری مواجه شد. (مولنی، ۲۰۱۸: ۲). تجدیدنظرطلبی بیش‌فعال ایران و چین از یکسو و تلاش‌های ایالات‌متحده برای کند کردن روند تغییر سیستمی، رقابت راهبردی و تنش میان دو کشور با ایالات‌متحده را تداوم خواهد بخشید. گسترش و تعمیق این روند تأثیرات شدیدتری بر روابط چین و ایالات‌متحده، در مقایسه با روابط ایران و آمریکا خواهد گذاشت، زیرا چین تنها قدرت بزرگی است که از توان و تمایل به چالش کشیدن موقعیت مسلط ایالات‌متحده در پهنه سیاست بین‌الملل برخوردار است، درحالی‌که دامنه چالش ایران محدود به شامات است. از همین رو احتمالاً ایران به دلایل ساختاری و نه کارگزاری در میان‌مدت نقشی مهم‌تر در تثبیت یا فروپاشی این مثلث خواهد داشت. پذیرش نقش منطقه‌ای ایران و مشروعیت دهی به آن از سوی ایالات‌متحده در میان‌مدت امکان‌پذیری بیشتری در مقایسه با پذیرش نقش جهانی چین از سوی آمریکا دارد. از همین رو، بروز نوعی شگفتی استراتژیک و فروپاشی این مثلث در پیامد بازتعریف مناسبات ایران و ایالات‌متحده وجود دارد، هرچند احتمال وقوع آن اندک است.

۲- همکاری سازنده و رقابت غیر حساسیت‌برانگیز

کشور چین در منطقه جنوب غربی آسیا دارای علایق ژئوپلیتیکی فراوانی است که می‌تواند در تصمیمات راهبردی این کشور در سیاست بین‌الملل بسیار مؤثر واقع شود. توجه به حوزه انرژی در منطقه خلیج فارس، ارتباط با کشورهای اوراسیایی از طریق بعضی کشورهای دارای ثبات امنیتی در منطقه، تمایل و توجه به گسترش اقتصادی در جهان و خصوصاً منطقه اوراسیا و حذف تدریجی رقبا در منطقه را می‌توان ازجمله این علایق برشمرد. (ارغوانی پیر اسلامی، ۱۳۹۵: ۳۸). نقش تعیین‌کننده و استراتژیک ایران در منطقه برای تمام قدرت‌های جهانی ازجمله چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار منطقه‌ای کاملاً مشخص و بارز است. ایران دارای علایق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی در منطقه است که برای حذف نگرانی‌ها و بهبود علایق خود تلاش‌های زیادی داشته و به دلیل اختلافات فراوان با استکبار جهانی خصوصاً آمریکا و کشورهای وابسته غربی به گسترش روابط با

1 Merseimer.

2 Maloney, S

سایر کشورها از جمله چین توجه خاصی دارد. یکی از موضوعات بسیار تعیین‌کننده در روابط راهبردی ایران و چین را می‌توان بر اساس نقش ساختاری و قابلیت‌های کارکردی چین تحلیل نمود. طبیعی است که تنظیم توافقنامه راهبردی ایران و چین اگر واقعیت داشته باشد، می‌تواند شرایط لازم برای پایه‌ریزی ائتلاف ضد هژمونیک را شکل دهد. واقعیت‌های موجود کنش راهبردی چین بیانگر آن است که این بازیگر تا یک دهه آینده هیچ‌گونه تمایلی به رویارویی و تعارض با ایالات متحده و جهان غرب نشان نخواهد داد. الگوی رفتار راهبردی چین عمدتاً معطوف به اتخاذ سازوکارهایی برای همکاری سازنده و رقابت غیر حساسیت‌برانگیز خواهد بود

۳- عدم وجود یک راهبرد مشخص برای رابطه با چین

کشور چین دارای سیاست‌های مشخصی در رابطه با ایران است. ولی جمهوری اسلامی از یک راهبرد مشخص برای رابطه با این کشور برخوردار نیست. نبود یک راهبرد مشخص در رابطه با چین به‌عنوان یک بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل، منجر به نبود یک سازوکار مشخص در روابط ایران با چین شده است. نبود این سازوکار و راهبرد، در واقع باعث شده ایران به تبع تغییر دولت‌ها و تغییر روابط ایران با غرب، روابطش با چین دچار نوسان شود. چین برای رابطه با ایران به دنبال ایجاد تعادل در روابط ایران با غرب و آمریکا است، به نحوی که نه رابطه ایران و غرب و آمریکا مسالمت‌آمیز و عمیق باشد و نه ایران بی‌توجه به قوانین بین‌الملل و رابطه پرتنش با غرب و آمریکا باشد. در این حالت رابطه چین با ایران نیازمند یک رابطه راهبردی بلندمدت است که تحت تأثیر تغییر دولت‌ها و تغییر سیاست‌های جزئی قرار نگیرد. (شمشیری، ۱۳۹۹: ۶۸). رابطه راهبردی با چین نیازمند ملاحظات است. این ملاحظات نشان می‌دهد که رابطه از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار بوده و کشور ایران اگر ملاحظات روابط با چین را مدنظر قرار ندهد، متضرر اصلی روابط با چین است. باید در نظر داشت در صورت رعایت ملاحظات ذکر شده و نگاه راهبردی به روابط با چین، مزیت‌های قابل توجهی برای جمهوری اسلامی ایجاد می‌گردد

۴- رشد اقتصادی پایدار چین با دسترسی به انرژی ایران

بین کشورهای صادرکننده نفت به چین غیر از روسیه کشورهای عربستان، آنگولا، عراق، عمان، برزیل، کویت و کنگو تأثیرات شدیدی از سیاست‌های آمریکا دارند؛ به نحوی که با ایجاد محدودیت‌های انرژی توسط آمریکا در آینده این کشورها به تبعیت از آن خواهند پرداخت. (لیم و

استیگ، ۲۰۲۰: ۷). مقایسه کشورهای مستقل و تحت نفوذ آمریکا بیانگر شرایط نامطلوب چین در زمینه واردات انرژی است. به عبارت دیگر چین با تلاش برای تنوع بخشی واردات در واقع سهم بالایی از واردات انرژی مورد نیاز خود را در اختیار متحدان آمریکا قرار داده که در صورت تقابل، منجر به ضربه اقتصادی شدید به چین خواهد شد. بنابراین در صورت اقدام چین برای انتخاب شرکای راهبردی در تقابل با آمریکا، ایران بهترین گزینه در خاورمیانه است. در نگاهی کلاسیک می‌توان ایران را در کنار روسیه و ونزوئلا در نظر گرفت که امکان تأمین پایدار انرژی مورد نیاز چین را دارند. علاوه بر نفت در زمینه تأمین منابع انرژی گاز نیز ایران می‌تواند تأمین کننده گاز مورد نیاز چین به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده جهان نیز باشد (بخشی آبی، ۱۴۰۰: ۴۳۰). چین به دنبال از بین بردن نظم موجود و رفتار انقلابی نیست، هدف این کشور کسب حداکثر منافع در قالب نظم موجود است، اما مشکل فعلی تقابل منافع اقتصادی این کشور با آمریکاست که آن برای ایران یک فرصت محسوب می‌شود. در صورت تداوم رقابت آمریکا و چین که رشد اقتصادی چین را کاهش می‌دهد. امکان شکل‌گیری روابط راهبردی ایران و چین بیشتر است. حتی در صورت تداوم شرایط موجود بین آمریکا و چین ایران می‌تواند با تکیه بر فرصت‌های موجود به عنوان یکی از شرکای اقتصادی اصلی چین باشد

۵- اهمیت ترانزیتی ایران برای رشد اقتصادی چین

چین می‌تواند با استفاده از بندرها و خطوط ریلی ایران به توسعه صادرات خود در خاورمیانه و کسب منافع بلندمدت اقدام کند. مسیرهای ارتباطی آماده ریلی بندرعباس به آذربایجان، بندرعباس به ترکیه از یکسو و مسیرهای در حال تکمیل چابهار ر سرخس، چابهار ر افغانستان و اتصال ریلی کرمانشاه ر عراق می‌تواند به تقویت حضور چین در غرب آسیا و آسیای میانه منجر شود. در صورت توافق راهبردی ایران و چین جمعیت بازار مصرفی منطقه خاورمیانه و آسیای میانه همراه با افغانستان حدود ۴۹۰ میلیون نفر بدون در نظر گرفتن متحدان راهبردی آمریکا امارات، عربستان و قطر خواهد بود. این موضوع با توجه به مزیت نسبی چین در تولید اقلام مصرفی مختلف و پیشرفت‌های فناورانه می‌تواند به سودآوری حداکثری این کشور منتج شود (هامیل، ۲۰۱۷: ۲). وجه دیگر اهمیت ترانزیتی ایران حضور چین در خلیج فارس است که اصلی‌ترین منطقه تأمین انرژی از دیدگاه چینی‌هاست. حضور همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه برای کنترل و سیطره بر اصلی‌ترین منطقه

1 Iim, .S. and Stig.S.

2 Amel, C. .

تأمین‌کننده انرژی دنیا، بر وابستگی چین به منابع انرژی خاورمیانه و همچنین سرمایه‌گذاری این کشور در این منطقه تأثیرات نامطلوبی گذاشته است. اکنون ایران مرکز ثقل مهمی در ساختار امنیت انرژی چین محسوب می‌شود و در صورت به کار بردن استراتژی ژئوپلیتیکی مناسب، می‌تواند با استفاده از ژئوپلیتیک انرژی ایده آل به وجود آمده، وزن ژئوپلیتیک خود را ارتقا دهد این راهبرد جدید را می‌توان حضور ترانزیتی چین در غرب آسیا و آسیای میانه از طریق ایران دانست. بندر بین‌المللی چابهار دروازه ورود چین برای اتصال به آسیای میانه و دریای مدیترانه خواهد بود (صفوی و مهدیان، ۱۳۸۹: ۲۵). در بعد ترانزیت، چین با اتصال به آسیای میانه در شمال و دریای مدیترانه در غرب می‌تواند به توسعه منافع اقتصادی خود بپردازد. در این زمینه تکمیل زیرساخت‌های ریلی اتصال چابهار به آسیای میانه و همکاری‌های تجاری با کشورهای این منطقه برای چین، برابر با توسعه بیشتر منافع اقتصادی این کشور است. اهمیت اصلی استفاده ترانزیتی چین از ایران در کنار بعد اقتصادی نفوذ سیاسی در کشورهای منطقه است؛ به نحویکه با ترانزیت مطمئن از طریق ایران به کشورهای آسیای میانه و بندر لاذقیه خواهد رسید. گستره عمیق نفوذ امنیتی چین در مقابله با نفوذ آمریکا در خاورمیانه قرار خواهد گرفت. در این راستا نیاز به متحد راهبردی که بتواند بدون وابستگی به آمریکا به تأمین منافع چین بپردازد، ضروری خواهد بود؛ از این‌رو علاوه بر منافع ترانزیتی، وابستگی به واردات نفت از متحدان آمریکا یعنی عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس کاهش یافته و ایران جایگزین خواهد شد. اتصال چابهار به آسیای میانه و بندر لاذقیه کانون توجه برای کسب منافع چین از طریق ترانزیت ایران است. در شرایط فعلی نیز ایران به لحاظ ثبات سیاسی و کردیدورهای ارتباطی همان جایگاه قرون قبل را دارد؛ تفاوت اصلی دوره معاصر هژمونی آمریکا و تلاش‌های تحریمی آن برای پیشگیری از رونق اقتصادی است

۶- قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین

در شرایطی که تحریم‌های آمریکا علیه ایران در راستای اعمال استراتژی فشار حداکثری به بیشترین میزان خود رسیده است و منجر به بحران اقتصادی در ایران شده است، توافق بلندمدت با چین راه نجاتی برای ایران در برابر تحریم فزاینده اقتصادی به شمار می‌رود و می‌تواند منجر به ناکامی سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده به‌منظور تسلیم ایران باشد. برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین یک پیش‌نویس توافق و مذاکرات با جنبه‌های پنهان، میان نظام جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران، شرکت

ملی صادرات گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، زیرساخت‌های ایران و همکاری نظامی، امنیتی، فرهنگی و قضایی است حجم سرمایه‌گذاری معادل ۲۸۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا است. بخش قابل توجهی از این سرمایه‌گذاری چینی‌ها طی سال نخست اجرای قرارداد ۲۵ ساله با آن‌ها به صنعت نفت و گاز ایران تزریق می‌شود و مابقی آن به صورت مرحله‌ای و بر اساس توافق دو طرف از سوی پکن در ایران انجام می‌شود (صفی نژاد، ۱۳۹۸). قرارداد راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین، دو مزیت کلیدی برای ایران به دنبال دارد؛ اول اینکه چین یکی از ۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل است که حق وتو دارد. روسیه یکی دیگر از کشورهای دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل است که در این توافق نیز حقوقی برای این کشور در نظر گرفته شده است؛ بنابراین ایران ۲ عضو دارای حق وتو در شورای امنیت را با این قرارداد در کنار خود خواهد داشت. مزیت دوم قرارداد ۲۵ ساله با چین برای ایران این است که در نهایت باعث می‌شود تولید نفت و گاز ایران در سه میدان کلیدی کشور افزایش پیدا کند.

۷- افزایش واردات از چین و نابودی تولید داخلی

از سال ۱۳۸۴ باهدف کنترل قیمت‌ها درهای ایران به روی واردات گشوده‌تر شد و بیش از هر زمان دیگری واردات رونق گرفت. در این میان به دلیل آنکه ایران نزدیک‌ترین روابط را با چین داشت، شروع به واردات بی‌رویه کالاهای بی‌کیفیت از چین کرد. چینی‌ها از این تصمیم بیشترین بهره را بردند و بازارهای ایران را بهترین فرصت برای ارائه کالاهای خود دانستند. درواقع دولت نهم و در پی آن دولت دهم هر جا که کنترل قیمت‌ها را از دست داد اقدام به واردات کالاهای هدف باقیمت پایین‌تر در قیاس با تولید داخل از چین کرد (بیاتی، ۱۳۸۹: ۵۰). رونق واردات به کشور و اجرای سیاست‌های نادرست اقتصادی خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به بسیاری از واحدهای تولیدی کشور وارد ساخت. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ حدود ۵۴۰۰ واحد تولیدی و کارخانه صنعتی کوچک و بزرگ در کشور تعطیل شدند، فرایند توسعه در ۹۰ درصد بنگاه‌های صنعتی کشور متوقف شده، فروش کالاهای صنعتی به میزان ۷۰ درصد کاهش یافته و به صورت میانگین ۴۰ درصد مراکز صنعتی در شهرک‌های صنعتی تعطیل شدند و ۲۰ درصد هم با حداقل ظرفیت به کار ادامه دادند (حریری، ۱۳۹۴). واردات کالا از چین که با انگیزه کنترل قیمت‌ها تبیین و طراحی شده بود، به تدریج به دلیل تسهیل روند واردات، نبود نظارت بر حجم، چگونگی و کیفیت کالاهای وارداتی و نیز سوددهی بالا در بین تجار نهاده شده شد. اتخاذ چنین سیاستی سبب بروز

معضلات جدی در عرصه اقتصادی گردید که اولین پیامد ناخوشایند آن تعطیلی کار، کاهش تولیدات داخلی و در مقابل رونق واسطه‌گری بود.

۸- ورشکستگی اقتصادی مشاغل

نمی‌توان از تأثیر قابل توجه سیاست‌های داخلی کشور در بحث ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی چشم‌پوشی کرد؛ به گونه‌ای که علاوه بر واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، مسئله هدفمندسازی یارانه‌ها نیز در این امر دخیل می‌باشد. با تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها، قیمت حامل‌های انرژی افزایش یافت و در قبال این آزادسازی درآمدی برای دولتمردان حاصل شد که قرار بود بخشی از این درآمد به بخش‌های تولیدی به‌عنوان یارانه اختصاص داده شود. ولی به دلایل سیاسی از جمله تلاش دولتمردان برای افزایش مشروعیت خود در بین مردم نفع سیاسی و بهره‌برداری جناحی و سیاسی از آن، بخش اعظمی از این درآمدها به‌عنوان یارانه مستقیم به مردم مصرف‌کنندگان اختصاص داده شد و به بخش تولیدی بی‌توجهی شد که عدم توجه به یارانه تولیدی، صدمه قابل توجهی به بخش تولیدی زد که این موضوع رکود تورمی را در اقتصاد شدت بخشید (رجنی، ۱۴۰۰: ۳۲). در نتیجه این اقدام، هزینه‌های تولیدی برای بنگاه‌ها و کارخانه‌ها افزایش یافت که این موضوع باعث افزایش قیمت محصول این بنگاه‌ها و کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات آن‌ها در بازارهای داخلی و خارجی شد. لذا کاهش تقاضا به علت افزایش قیمت موجب ورشکستگی بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی شد که این موضوع از منظر اقتصاد کلان به معنی کاهش عرضه‌ی کل اقتصاد و در نتیجه افزایش بیکاری، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم بود.

۹- تعمیق پیوندهای ایران با چین به‌عنوان مهم‌ترین کنشگر آسیایی:

امکان برقراری پیوندهای تنگاتنگ با کشور چین و تأمین نیازهای گوناگون سیاسی و امنیتی، از رهگذر این پیوندها، به دلیل برخورداری ایران از برخی امتیازات، منحصر به فرد است. چین به دلیل برخورداری از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل، می‌تواند برای ایران یک متحد استراتژیک باشد که قادر به کمک برای ایجاد و حفظ ثبات و امنیت در منطقه از طریق توازن سازی با سایر قدرت‌ها است. (سلامی، ۱۳۹۶: ۳۳). این موضوع چشم‌انداز روشنی از همکاری‌های اقتصادی و سیاسی دو طرف را در آینده ترسیم می‌کند. احتیاط فزاینده چین برای همکاری با ایران در برخی حوزه‌های موضوعی چالش برانگیز ایران با غرب، می‌تواند مبنایی برای اراده بیشتر ایران جهت مشارکت در این طرح باشد.

تقویت همکاری‌های هرچه بیشتر اقتصادی میان دو طرف به‌خصوص در دوران بعد از توافق هسته‌ای، می‌تواند به ایران کمک کند تا با تقویت وابستگی متقابل با چین هزینه‌های عدم همکاری این کشور را در شرایط بحرانی افزایش داده و از این جهت روابط سیاسی این کشور با ایران وزنی مشابه حوزه همکاری به خود گیرد.

۱۰- استفاده از ظرفیت‌های طرح جاده ابریشم نوین برای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای: طرح جاده ابریشم نوین از آنجاکه منجر به توسعه اقتصادی کشور خواهد شد، متعاقباً امنیت و ثبات را نیز به ارمغان خواهد آورد و با کمک به توسعه زیرساخت‌ها در تأمین نظم اجتماعی و ثبات سیاسی تأثیر دارد. در معادلات قدرت جهانی، ایران دارای ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک است. رشد و ترقی اقتصادی شرق و جنوب شرق آسیا نیازمند وجود شبکه گسترده‌ای از مسیرها و کریدورهای ارتباطی، آرام و امن برای تبادلات اقتصادی کالاها در سرتاسر منطقه است. مسیر ایران به دلیل ایفای نقش یک شاهراه مهم ارتباطی و ترانزیتی که ناشی از برتری‌های ژئوپلیتیک است، یکی از سهل‌الوصول‌ترین، کوتاه‌ترین، امن‌ترین و باصرفه‌ترین مسیرها برای ترانزیت کالاها به بازارهای مصرف از طریق دریا و خشکی محسوب می‌شود (آدمی، ۱۳۸۹: ۷۰). ایران به دلیل برخورداری از موقعیت ژئواکونومی و منابع فراوان نفت و گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشوری همچون چین در مقایسه با کشورهای رقیب دیگر، یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است. این ظرفیت‌ها در کنار قرارگیری ایران در کانون توجه قدرت‌ها و نقش برجسته منطقه‌ای، می‌تواند گامی بلند برای تثبیت و تحکیم جایگاه ایران به‌عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای داشته باشد. با توجه به هدف سازی چین برای جلوگیری از افزایش نفوذ چین در منطقه شرق، به نظر می‌رسد اولویت ضمنی چین تقویت موازنه سازی منطقه‌ای در خاورمیانه برای رقابت با امریکا و جلوگیری از روندهای پیش‌رونده واشینگتن در آسیا باشد این روند فرصتی را در اختیار ایران قرار می‌دهد تا از طریق ائتلاف‌سازی چینی-ایرانی در برابر نوع عربی-امریکایی آن به دنبال احیای جایگاهی در نتیجه حمایت‌های امریکا در منطقه تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

۱۱- حفظ و ارتقای امنیت ملی و ثبات داخلی کشور:

وابستگی متقابل میان کشورها در عرصه حمل‌ونقل و صادرات انرژی و کالاها، مخصوصاً به ایران به‌عنوان کریدوری حیاتی و باصرفه به عرصه سیاسی و امنیتی کشیده خواهد شد و باعث افزایش

ضریب امنیت و منافع ملی می‌شود. (امیدوار نیا، ۱۳۹۲: ۶۳). ایران با استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی، جغرافیایی و ارتباطی خود به ارتقا و افزایش امنیت و منافع ملی خود از راه کانال‌های سرمایه‌گذاری کلان اقتصادی و تجاری کمک خواهد کرد و هزینه تهدید، تجاوز و حمله به کشورش را افزایش خواهد داد همچنین داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهان که ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور باشد، می‌تواند در تضمین امنیت و ثبات ملی مفید باشد

۱۲- فرصت سازی برای تعامل هم‌زمان با شرق و غرب:

آثار زیان‌بار اتکای صرف به شرق و غرب در سیاست خارجی ایران در ادوار مختلف، امری مشخص است و دقیقاً بنا بر همین تجربه تاریخی در شرایط عادی هرچه ایران تلاش کند تا با مشارکت بیشتر در تدبیر امور جهانی و طرح‌هایی با ماهیت بین‌المللی از اتکای صرف به یک‌طرف فراتر رود، منافع ملی کشور بیشتر تأمین خواهد شد. (زارع، ۱۳۹۴: ۶۳). از مزایا و فرصت‌هایی که افزایش ارتباط اقتصادی ایران و چین بخصوص در طرح جاده ابریشم نوین در اختیار ایران قرار می‌دهد، می‌توان به مواردی همچون انتقال وضعیت ایران از عضویت ناظر به عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای، استفاده از پتانسیل کشورهای مسیر برای سهولت ادغام در نظام جدید تجارت بین‌الملل و تشکیل بازارهای مشترک منطقه‌ای، توسعه و گسترش برنامه‌های گردشگری در مسیر راه ابریشم، پشتیبانی مفید برای برقراری پیوند بین کشورها و تحقق هدف توسعه مشترک در منطقه، به وجود آمدن یک محیط امن منطقه‌ای و جهانی که زمینه‌ساز توسعه همگانی است، مبارزه با مواد مخدر به‌واسطه افزایش امنیت و ثبات، کاهش میزان آسیب‌پذیری کشور در هنگام بحران (همچون تحریم) از طریق ایجاد محورهای باثبات مالی و پولی با شرق و غرب، احیای دوره طلایی فرهنگ باستانی جوامع آسیای مرکزی، دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه به بنادر ایران در سواحل خلیج فارس و توسعه بنادر و حمل‌ونقل دریایی کشور، برقراری پیمان‌های امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای بزرگ، تحقق همگرایی در منطقه و حتی فرا منطقه (با اروپا)، آزادسازی ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی، افزایش دسترسی به بازارهای جهانی و افزایش حجم حمل‌ونقل کالا و مسافر و ایمنی و حفظ محیط‌زیست اشاره داشت.

۱۳- پاسخ ایران به حملات اسرائیل و مواضع حمایتی چین از ایران و محکوم نکردن آن

بعد از پاسخ پهلادی و موشکی گسترده ایران به اقدامات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی، چین ضمن ابراز نگرانی عمیق از تشدید وخامت اوضاع در غرب آسیا، خواستار خویشتنداری تهران و تل‌آویو

برای جلوگیری از تشدید تنش شد. چین به شدت حمله به سفارت ایران در دمشق را محکوم کرده و آن را مخالف و ناقض اصول و قواعد بین‌المللی می‌داند. در این بیانیه تصریح شده است: این دور از تنش‌ها یکی از پیامدهای جنگ غزه است و سرکوب «درگیری» اولویت اصلی است. دیگر هیچ گونه تاخیر در اجرای قطعنامه ۲۷۲۸ شورای امنیت سازمان ملل جایز نیست و درگیری و تنش باید فوراً به پایان برسد. چین از جامعه بین‌الملل به ویژه از کشورهای ذی نفوذ می‌خواهد که نقش سازنده برای صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه ایفا کنند. در ماجرای تقابل اخیر ایران و اسرائیل، چین طرف تهران را گرفته اما به نظر می‌رسد که پکن در تلاش برای تشددی از وضعیت موجود و در عین حال، طعنه زدن به آمریکا است. دیپلمات‌های چینی پشت درهای بسته تلاش می‌کنند همتایان اسرائیلی‌شان را قانع کنند که اظهارات علنی دولت چین، نشان‌دهنده منویات قلبی پکن درباره لزوم مجازات دولت اسرائیل بابت اقداماتی که انجام داده است، نیست و پکن همچنان خواهان حفظ روابط دوجانبه است. (پالمر، ۲۰۲۴: ۱۰)

چین دارای روابط گسترده‌ای با ایران است و تماس بلافاصله وزیر امور خارجه چین با تهران بعد از حمله و تمجید از اقدام متقابل ایران نشان می‌دهد که پکن علاقه‌ای برای دست شستن از این روابط ندارد. روابط با تهران یکی از ستون‌های اصلی اهداف پکن در خاورمیانه است. این اهداف شامل حفظ جریان نفت، ادعای پایداری به اصول اخلاقی در مقایسه با آمریکا، ایجاد روابط با رهبران اقتدارگرا و امتناع از گرفتاری‌های پرهزینه است. چین احتمالاً ترجیح دهد که ایالات متحده همچنان یک تضمین‌کننده امنیت خاورمیانه باقی بماند، هرچند که مکرراً و به صورت علنی از این نقش انتقاد می‌کند. ائتلافی که برای دفع حملات ایران تشکیل شد نشان داد که ساختارهای ایجاد شده توسط ایالات متحده تا چه اندازه قدرتمند هستند و اردن و عربستان در دفع حملات موشکی و پهپادی ایران هر کدام در حال ایفای نقش خویش بودند. دیپلمات‌های چینی پشت درهای بسته تلاش می‌کنند همتایان اسرائیلی‌شان را قانع کنند که اظهارات علنی دولت چین نشان‌دهنده منویات قلبی پکن درباره لزوم مجازات دولت اسرائیل بابت اقداماتی که انجام داده است نیست و پکن همچنان خواهان حفظ روابط دوجانبه است. ما خودداری چین از محکوم کردن حمله هفتم اکتبر حماس بدان معنا بود که اسرائیل احتمالاً در آینده موضع سختگیرانه تری در قبال انتقال فن آوری و قراردادهای تجاری اتخاذ خواهد کرد. اتکای چینی‌ها بر نگاه همتایان ایرانی‌شان در فهم تحولات منطقه ممکن است یک مشکل درازمدت برای پکن ایجاد کند.

نتیجه گیری:

جمهوری اسلامی ایران و چین به عنوان کشورهای تجدیدنظرطلب نظام بین الملل حاکم را به چالش کشیده‌اند. ایران و چین دارای یک سری همپوشانی منافع هستند. ایران با برخورداری از منابع فراوان انرژی، محوریت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی، قرار گرفتن در راه ابریشم جدید، نفوذ و اهمیت فراوان در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه به لحاظ سیاسی و امنیتی، می‌تواند پاسخگوی نیازهای راهبردی چین در سه حوزه ذکر شده باشد. همچنین نیاز ایران به شکل‌دهی زنجیره ارزش در صنایع پایین‌دستی انرژی، تکمیل زیرساخت‌های ترانزیتی و دسترسی به منابع مالی ارزان نیز در نقطه مقابل، نیازهای ایران برای شکل‌دهی فرایند توسعه اقتصادی است. روابط ایران و چین در بعد اقتصادی پیشرفت چشمگیری داشته است زیرا چین در میان کشورهای جنوب شرق آسیا، به دلیل نیاز به مصرف حامل‌های انرژی، این متغیر را در روابطش با ایران با حساسیت دنبال می‌کند. از این رو همکاری‌های دو کشور در بعد اقتصادی و به ویژه نفت و گاز و نیز سایر مشتقات آن، علی‌رغم اینکه در پاره‌ای اوقات به دلایلی نظیر افزایش قیمت نفت و تسری یافتن مسائل سیاسی به این حوزه با قدری نوسان همراه بوده است، در یک چشم انداز بلندمدت چین به دلیل شدت مصرف انرژی، همچنان به واردات سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز) و سایر مشتقات آن از کشورهای خاورمیانه و نیز ایران وابسته باقی خواهد ماند. جمهوری اسلامی ایران همواره در پی آن بوده که از نفوذ چین در شورای امنیت و حق وتوی این کشور جهت جلوگیری از تحریم‌های احتمالی آمریکا و غرب علیه منافع ملی ایران ممانعت به عمل آورد. در مقابل چین نیز با تقویت شاخص‌های اقتصادی و سیاسی خود، در حال خیزش بوده و جهت تأمین نیازهای اقتصادی خود در حوزه انرژی به منابع نفت و گاز منطقه خلیج فارس و ایران چشم دوخته است که این مسئله نیز می‌تواند بر استحکام روابط دوجانبه دو کشور بیفزاید. علاوه بر موارد مذکور، جمهوری اسلامی ایران همراه با کشورهایی دیگر نظیر هند و پاکستان، به عنوان عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای پذیرفته شد و چین به عنوان رکن اصلی و بنیان‌گذار این سازمان، از عضویت ایران حمایت نمود. چین برای کسب منافع ملی و بین‌المللی خود در طرح جاده ابریشم نوین، به قدرت‌های منطقه‌ای مهم، توجه ویژه دارد و در زمان فعلی برای ایران

اهمیت ویژه‌ای قائل است که این ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران است. جاده ابریشم نوین به دلیل اهمیت بالا و ایجاد تغییرات متعدد و ملموس بر منطقه، تمامی کشورهای واقع در این مسیر از جمله ایران را متأثر کرده و می‌تواند با تهدیدها و فرصت‌هایی برای آن‌ها همراه باشد. این طرح علاوه بر اینکه می‌تواند در راستای اهداف کلان ایران باشد و فرصت‌ها و مزیت‌های بسیاری را به ارمغان آورد، چالش‌هایی را نیز به وجود خواهد آورد که با توجه به رقابت‌های کشورهای مختلف برای بهره‌برداری از این طرح و همچنین برخی تنش‌ها میان کشورها، دستگاه سیاست خارجی ایران بایستی از فرصت‌های این طرح بهره‌برداری صحیح و همه‌جانبه کرده و چالش‌ها را مدیریت کند که این به توان و ظرفیت‌های خود ایران وابسته خواهد بود. در ارتباط با یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر نیز قابل تأمل است.

- ایران هنوز سهم مناسبی از بازار عظیم مصرفی چین را به خود اختصاص نداده است، این امر نیاز به اعتمادسازی مسئولان چینی نسبت به مرغوبیت و صرفه اقتصادی کالاهای ایرانی در برابر دیگر کالاهای وارداتی برای مصرف‌کنندگان چینی دارد. در این راستا علاوه بر تقویت ساختارهای تولیدی از راهکارهای پیشنهادی می‌تواند تجارت متقابل و کالا به کالا جهت ورود کالاهای ایران به بازار چین و شناساندن آن‌ها به مصرف‌کنندگان چینی باشد.
- رفع بی‌ثباتی مدیریتی و اجرایی در بخش اقتصاد و سیاست کشور و قابل پیش‌بینی نمودن فرآیندهای اقتصادی با برنامه‌ریزی دقیق و نهادینه نمودن روندهای بازرگانی، می‌تواند با جلب نظر و توجه بازرگانان چینی که دارای اقتصاد بازار محور و مزیت‌گرا می‌باشند، آن‌ها را به سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های اقتصادی بیشتر در ایران ترغیب نماید.
- تشکیل کمیته‌های کاری تخصصی اقتصادی، جهت بررسی و شناخت راه‌های گسترش گام‌به‌گام همکاری‌های تجاری و بازرگانی ایران و چین از دیگر مواردی است که در گسترش روابط می‌تواند مؤثر واقع شود
- ایران باید در هر موضوعی که با پکن همکاری می‌کند در اقتصاد، نظامی و ... گزینه دومی نیز در نظر داشته باشد تا در مواقع لزوم با استفاده از آن بتواند امتیاز لازم را اخذ نماید. به نظر می‌رسد با توجه به تجربه سال‌های اخیر و با عنایت به روابط ایران و چین با دیگر کشورها بهترین گزینه‌های در دسترس ایران کشورهایی باشند که روابط استراتژیک و یا خصمانه با پکن دارند که روسیه، تایوان و هند بهترین این گزینه‌ها می‌باشند

- حضور فعال و مؤثر ایران در نهادهای منطقه‌ای تأثیرگذار و نقش فعال در این نهادها می‌تواند برگ برنده دیگری را در اختیار ایران در مراودات خارجی خود من جمله با کشور چین در اختیار دولتمردان ایرانی قرار دهد. از این رو شایسته است جمهوری اسلامی ایران حضور فعالانه‌تری در سازمان همکاری شانگهای داشته و تلاش مضاعفی را جهت متقاعد نمودن روسیه و به‌ویژه چین برای عضویت دائم در این سازمان مهم منطقه‌ای انجام دهد
- چین کشوری متمایز در نظام بین‌الملل است که به‌طور اصولی به دنبال متحد استراتژیک در دنیا نمی‌گردد آن‌ها فرض دارند که قدرتشان به‌تنهایی می‌تواند تمام مسائل آن‌ها را حل کند؛ بنابراین، بیشتر به دنبال همکاری استراتژیک بر اساس مدل برد - برد می‌گردند. بر این اساس در همکاری و مشارکت با این کشور باید همیشه رفتاری متعادل داشت و سعی نمود از فرصت‌های به‌دست‌آمده ابتدا در جهت متوازن نمودن مناسبات و سپس سود بردن از آن به نفع خود بهره برد
- ایران بایستی در پی برنامه‌ای برای اقتصاد و توسعه پایدار باشد. بنابراین در طرح جاده ابریشم نوین تنها نباید به مقوله ترانزیت توجه کند، بلکه بایستی ارتباطات تجاری و بازرگانی خود با سایر کشورهای مسیر، از جمله آسیای مرکزی را گسترش دهد و در پروژه‌های این منطقه مشارکت و همکاری کند تا از این طریق در سازمان‌های منطقه‌ای مهم حضور فعال‌تری داشته باشد.

منابع

- آدمی، علی. (۱۳۸۹). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها. مطالعات سیاسی، ۲(۷): ۶۲-۹۷.
- ارغوانی‌پیرسلامی، فریبرز. (۱۳۹۵). باز درآمدی بر روابط راهبردی چین و ایران، در پرتو هویت‌های بین‌المللی. تهران: مخاطب.

- امیدوار نیا، محمدجواد. (۱۳۹۲). چین در شرایط نوین جهانی: استراتژی امنیتی و دفاعی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی.
- بخشی آنی، رضا، عباسی، مجید و رحیمی نژاد، محمدعلی. (۱۴۰۰). متغیرهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر روابط راهبردی ایران و چین. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۴(۲): ۴۲۳-۴۶۲.
- بلوچی، حیدر علی. (۱۳۸۹). دیپلماسی دفاعی چین. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۸(۳۱): ۱۴۰-۱۵۶.
- بیانی، سحر. (۱۳۸۹). با واردات بی‌رویه کالا به کشور مرگ تدریجی تولیدات داخلی با محصولات چینی. تهران: شفاف.
- ترابی، قاسم. (۱۳۹۱). نقد و بررسی کتاب: روابط خارجی چین، سیاست و قدرت پس از جنگ سرد. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۸۰): ۱۷۱ - ۱۸۱.
- حریری، محمدرضا. (۱۳۹۴). چین تنها انتخاب ایران بود، سوغات احمدی‌نژاد برای ایران. شرق، (۲۵۳۰): ۶-۹.
- رجنی، محمد. (۱۴۰۰). روابط چین و ایران از نگاه نخبگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد شاهرود.
- رضائی، علیرضا. (۱۳۸۷). چین و موازنه نرم در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین الملل. راهبرد یاس، (۱۶): ۲۹۸-۲۸۱.
- روزکرانس، ریچارد. (۱۳۹۰). تجارت و وابستگی متقابل در: نظریه‌های روابط بین‌الملل. ترجمه وحید بزرگی. تهران: قومس.
- زارع، محمد. (۱۳۹۴). جایگاه ایران در استراتژی کمر بند اقتصادی جاده ابریشم، در چشم‌انداز روابط ایران و چین. تهران: ابرار معاصر.
- سلامی، لادن. (۱۳۹۶). چشم‌انداز روابط ایران و چین در دهه اول قرن ۲۱، در ایران و چین: ایجاد چهارچوبی برای مدیریت روابط. تهران: فرهنگ گفتمان.
- سیف زاده، حسین. (۱۳۹۲). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل. تهران: قومس.
- شریعتی نیا، محسن. (۱۳۹۹). روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رماتیک به پیوند پایدار. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۳): ۹۵-۱۱۴.
- *شمشیری، علی. (۱۳۹۹). تحلیل ملاحظات گسترش مناسبات راهبردی ایران و چین. مطالعات دفاع مقدس، ۵(۱۸): ۶۹-۸۴.
- صفوی، سید یحیی و حسین مهدیان. (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق چین و هند. علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، ۲(۲): ۱۲-۲۹.

- صفی نژاد، ابوالحسن. (۱۳۹۸). ناسیونالیسم اقتصادی جمهوری خلق چین و تأثیر آن بر روابط راهبردی این کشور با ایران (۲۰۰۱-۲۰۱۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.
- عظیمی، سید رضا. (۱۴۰۰). ابتکار کمربند و راه: فرصت‌های اقتصادی مشترکی ایران و چین. تهران: پیک نور.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۲). روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سمت.
- کدخدائی، مهران. (۱۳۹۸). نقش جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌های دهم و یازدهم در تحول روابط ایران و چین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- کوهن، رابرت و نای، جوزف. (۱۳۹۵). وابستگی متقابل و همگرایی در عرصه بین‌المللی در: نظریه‌های روابط بین‌الملل. ترجمه وحید بزرگی. تهران: قومس.
- مرادی حقیقی، فائزه. (۱۳۹۷). تجارت و توسعه در روابط اقتصادی ایران و چین (۱۳۵۷-۱۳۹۶). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- معدنچی رسولی، سمیرا. (۱۳۹۶). بررسی سازه انگارانه روابط چین و ایران (۲۰۱۵-۱۹۹۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- Amel, C. (2017). Safavid Trade During te 17t Century: Iran's Transit Economy, ames Madison University, MU Scholarly Commons Middle Eastern Communities and Migrations Student Researc Paper Series.
- Bagwandeem, M.(2019). Navigating Te Gulf: Cinas Balancing Strategy. Centre for Cinese Studies, Stellenbosc University.
- Daniel, O. (2018). Aspects of Sino-Iranian relations.‖ Biztpol Affairs 1(1).
- Fallon,T.(2015). Te New Silk Road: Xi ingpings Grand Strategy for Eurasia, American foreign policy interests, at: www.ou.edu.uscina/texts/Fallon.
- Iim, S. and Stig.S. (2020). Cina's Realism in te Middle East, Survival, Global Politics and Strategy, Vol. 61, No. 6.
- Maloney, S.(2018). Te Trump Administration›s Plan B on Iran is No Plan at All. Brookings. Last modified May 22, 2018.
- Merseimer,O. (2018).Can Cina Rise Peacefully? Te National Interest. Last modified une 5,
- Palmer,James(2024) China's support positions for Iran and not condemning it in Iran's response to Israel's attacks, Foreign Policy.
- Un, L and Wu ,L. (2016), Key Issues in Cina-Iran Relations, urnal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia), Vol. 4, No. 1, pp.40-57.
- Unter, S. (2010), Iran s Foreign Policy in te Post- Soviet Era: Resisting te new International Order, California and London: Praeger.
- Wutnow, O.(2016). Posing Problems Witout an Alliance: Cina-Iran Relations after te Nuclear Deal, Strategic Forum, No. 290.